رویداد

مجوز ایجاد پنجمین بورس کشور صادر شد

اعضای هیات موسس بورس بین‌الملل مناطق آزاد را مجموعه‌ای از شرکت‌های تأمین سرمایه، کارگزاری‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، بیمه‌ها، هلدینگ‌های بزرگ اقتصادی و سازمان‌های مناطق آزاد تشکیل می‌دهند که در این نشست، روندها، فرآیندها و الزامات اجرایی راه‌اندازی این بورس مورد بررسی و تبادل نظر قرار گرفت. در این نشست، بر ضرورت هماهنگی نهادی و تسریع در اقدامات اجرایی تاکید شد و حاضران در خصوص ساختار اجرایی، مراحل عملیاتی تأسیس و سازوکارهای آغاز فعالیت بورس بین‌الملل مناطق آزاد به جمع‌بندی رسیدند. بر اساس توافقات صورت گرفته، مقرر شد دبیرخانه بورس بین‌الملل مناطق آزاد تا زمان آغاز رسمی فعالیت، در محل دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی مستقر شود و مسوولیت پیگیری فرآیند تأسیس را بر عهده داشته باشد. تشکیل کمیته‌های تخصصی اجرایی، حقوقی، سامانه معاملاتی، سپرده‌گذاری و تسویه به تصویب رسید و اعضای هر یک از این کمیته‌ها تعیین شدند. بورس بین‌الملل مناطق آزاد به عنوان پنجمین بورس رسمی کشور با پیگیری‌ها و رایزنی‌های متعدد و مستمر دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد و دستور ویژه دبیر شورای عالی مناطق آزاد، با هدف جذب سرمایه‌گذاران خارجی و ایرانیان مقیم خارج از کشور، یکی از ارکان مهم توسعه بازار سرمایه محسوب می‌شود که از طریق انتشار ابزارهای متنوع ارزی، بستر جذب سرمایه‌های خارجی، توسعه تجارت خارجی و افزایش صادرات را فراهم خواهد کرد. این بورس در قالب یک شرکت سهامی عام در یکی از مناطق آزاد کشور به ثبت خواهد رسید. آیین‌نامه تأسیس و فعالیت بورس در منطقه آزاد در اسفندماه ۱۳۹۷ به تصویب هیات وزیران رسیده و اقدامات لازم برای عملیاتی‌سازی تأسیس و فعالیت این بورس، با مشارکت سهامداران داخلی و خارجی، از سال‌های گذشته در دستور کار دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد و سازمان بورس و اوراق بهادار قرار داشته است.

اصلاح نرخ محصولات شوینده بهداشتی

شرکت‌های فعال در صنعت محصولات شیمیایی با انتشار اطلاعیه‌های جداگانه‌ای، ضمن اشاره به نامه ارسالی انجمن صنایع شوینده بهداشتی و آرایشی ایران، در سامانه کدال اعلام کردند تغییرات ناشی از حذف ارز ترجیحی، به اصلاح نرخ محصولات شرکت منجر شده است. هم‌زمان با حذف ارز ترجیحی، شرکت‌های فعال در صنعت محصولات شیمیایی با انتشار اطلاعیه‌های افشای اطلاعات با اهمیت در سامانه کدال، از افزایش و اصلاح نرخ فروش محصولات خود خبر دادند. انجمن صنایع شوینده بهداشتی و آرایشی ایران در نامه خود به شرکت‌های «شپارس»، «شگل»، «ساینال» و «شپاکسا» از افزایش نرخ محصولات تولیدی شرکت خبر داده است.

تعداد سهامداران فعال بورس

گزارش‌های آماری مدیریت نظارت بر بورس‌های سازمان بورس و اوراق بهادار از معاملات بازار سهام حاکی از آن است که در هفته کاری منتهی به ۱۴ بهمن ۱۴۰۴، سهم حقیقی‌ها، حقوقی‌ها و صندوق سهامی به ترتیب ۵۱۱،۱۲۵ میلیارد ریال (۶۹.۲ درصد)، ۷۱،۶۲۳ میلیارد ریال (۹.۷ درصد) و ۴۲،۱۳۲ میلیارد ریال (۵.۷ درصد) بود. در هفته یادشده تعداد سهامداران فعال در بازار اعم از حقیقی و حقوقی (بدون احتساب کدهای دارای معامله در عرضه‌های اولیه) ۷۷۵ هزار و ۷۰۱ نفر بود که به تفکیک ۷۷۴ هزار و ۹۲ نفر، شامل سهامداران حقیقی و یک هزار و ۶۰۹ نفر مربوط به حقوقی‌ها می‌شود. در این بازه زمانی ۳ صنعت ۱. محصولات شیمیایی ۲. فلزات اساسی ۳. فرآورده‌های نفتی جزو ۳ صنعت پرگردش در معاملات بازار سهام بودند. آمارها حاکی از آن است که در هفته گذشته این ۳ صنعت ۵۱ درصد ارزش کل معاملات بازار را به خود اختصاص دادند.

حذف تامین مالی از بورس از بین گزینه‌های فعالان

صدای بورس | یاور میرعباسی- مدیرعامل کارگزاری توسعه معاملات خردمند نوشت: بازار سرمایه کشور در شرایطی در حال عبور پرنوسان از سخت‌ترین روزهای خود است که بیش از ۲۱،۰۰۰ همت دارایی شرکت‌ها با ۳۹۴ همت سودآوری در آن مورد مبادله قرار می‌گیرند و ظرفیت‌های بسیاری برای تأمین مالی شرکت‌ها فراهم ساخته است در حالی که برخی چالش‌ها باعث شده تا تأمین مالی از این بازار از گزینه‌های تأمین مالی بسیاری از فعالان اقتصادی کشور حذف شود. در این مقوله چالش‌های ساختاری و زیرساختی بسیاری را می‌توان برشمرد اما چند عامل به‌صورت بنیادی و اساسی منجر به ایجاد مانع شده‌اند که می‌توان به آن پرداخت. بزرگ‌ترین چالش در این بین، به جرات هزینه‌های بسیار بالای تأمین مالی از بازار سرمایه کشور است که به تبعیت از کلیت اقتصاد کشور و تحت تاثیر تورم مزمن بسیار بالا و بلندمدت کشور همواره رو به تزاید بوده است. این امر اگر چه به نوبه خود اغلب به دلیل آثار سوء تحریم‌های بلندمدت و رو به افزایشی بوده است که فضای کشور به آن مبتلاست اما هزینه‌های انتشار بالایی که نهادهای مالی مشارکت‌کننده در فرآیند انتشار اوراق ایجاد می‌کنند خود نیز به این نرخ می‌افزاید و طبیعتا بسیاری از گزاره‌های سرمایه‌گذاری کشور به دلیل همین چالش کنار گذاشته می‌شوند. علاوه بر این چالش که شاید بتوان بزرگ‌ترین چالش موجود تلقی کرد زمان‌بر بودن فرآیند تأمین مالی در فضای اقتصادی کشور که بخش عمده تقاضای تأمین مالی در آن برای تأمین سرمایه در گردش بوده و سرعت و سهولت تأمین مالی در آن دارای اهمیت بالایی است مانعی بزرگ برای تمایل به این روش تأمین مالی است.

«تعادل» روند معاملات بورس‌های جهانی را بررسی می‌کند

رکورد شکنی وال استریت

بازارهای مالی همواره آینه‌ای از انتظارات آینده‌اند، نه بازتاب صرف وضعیت فعلی اقتصاد. در ماه‌های گذشته، این ویژگی بیش از هر زمان دیگری خود را نشان داده است. در شرایطی که اقتصاد جهانی همچنان با تورم، نرخ‌های بهره بالا، تنش‌های ژئوپلیتیک و نااطمینانی سیاسی مواجه است، بورس امریکا رکوردی تاریخی را ثبت کرده و به تبع آن، جریان تازه‌ای از تحلیل، امید و تردید در بازارهای مالی جهان شکل گرفته است. عبور شاخص داوجونز از مرز ۵۰ هزار واحد، نه فقط یک عدد نمادین، بلکه نشانه‌ای از بازتعریف انتظارات سرمایه‌گذاران نسبت به آینده اقتصاد جهانی است. این رکوردشکنی باعث شده که توجه بسیاری از سرمایه‌گذاران در دنیا تنها به بورس‌ها جلب شود و به نوعی در انتظار تغییر ماهیت در بورس‌ها باشند.

رکورد ۵۰ هزار واحدی داوجونز و بازگشت اعتماد

این روزها تحولات سیاسی بسیاری حول محور ایران و امریکا در حال رخ دادن است و برخی از کارشناسان اقتصادی-سیاسی انتظار رکوردشکنی شاخص داوجونز را در چنین شرایطی نداشتند. شاخص Dow Jones Industrial Average برای نخستین‌بار در تاریخ از سطح ۵۰ هزار واحد عبور کرد؛ اتفاقی که هم‌زمان با صعود شاخص‌های S&P ۵۰۰ و Nasdaq Composite به محدوده‌های رکوردی رخ داد. این رکوردشکنی در شرایطی اتفاق افتاد که تنها یک سال قبل، بسیاری از تحلیل گران از «رکود اجتناب‌ناپذیر» در اقتصاد امریکا سخن می‌گفتند. رشد بازار امریکا حاصل هم‌افزایی چند عامل کلیدی است، **نخست**، تغییر انتظارات تورمی. داده‌های اقتصادی اخیر نشان می‌دهد تورم در امریکا، هرچند به‌طور کامل مهار نشده، اما از وضعیت بحرانی فاصله گرفته است. همین موضوع باعث شده بازارها احتمال تغییر جهت سیاست پولی فدرال رزرو و کاهش نرخ بهره در ماه‌های آینده را جدی‌تر بگیرند.

دوم، نقش بی‌بدیل شرکت‌های بزرگ فناوری. موج سرمایه‌گذاری در هوش مصنوعی، نیمه‌رساناها و زیرساخت‌های دیجیتال، بار دیگر شرکت‌هایی مانند Apple، Microsoft، Nvidia و Meta را به موتور محرک بازار تبدیل کرده است. وزن بالای این شرکت‌ها در شاخص‌ها باعث شده رشد آنها اثر مستقیمی بر رکوردشکنی بازار داشته باشد.

سوم، ثبات نسبی بازار کار و مصرف. نرخ بیکاری پایین و استمرار هزینه کرد مصرف کنندگان امریکایی، نگرانی از رکود عمیق را کاهش داده و فضا را برای پذیرش ریسک در بازار سهام فراهم کرده است.

با این حال، حتی در اوج خوش‌بینی، هشدارها نیز جدی‌اند. بسیاری از اقتصاددانان معتقدند فاصله گرفتن ارزش بازار سهام از واقعیت‌های اقتصاد واقعی می‌تواند در صورت تغییر ناگهانی سیاست پولی یا بروز شوک ژئوپلیتیک، زمینه‌ساز اصلاح‌های شدید شود.

اروپا؛ رشد محتاطانه

در حالی که وال استریت رکوردشکنی می‌کند، بورس‌های اروپایی با احتیاط بیشتری حرکت می‌کنند. شاخص‌های DAX آلمان، CAC ۴۰ فرانسه و FTSE ۱۰۰ بریتانیا در هفته‌های اخیر رشد داشته‌اند، اما این رشد نه فراگیر است و نه به اندازه بازار امریکا قدرتمند. اقتصاد منطقه یورو همچنان با رشد پایین، هزینه‌های انرژی، کاهش قدرت خرید خانوارها و ابهام در سیاست‌های بانک مرکزی اروپا (ECB) مواجه است. بانک مرکزی اروپا برخلاف فدرال رزرو، هنوز سیگنال شفافی درباره زمان کاهش نرخ بهره نداده و همین موضوع باعث شده سرمایه‌گذاران اروپایی محافظه‌کارتر عمل کنند. در این فضا، شرکت‌های صادرات‌محور و صنایع دفاعی عملکرد بهتری داشته‌اند، اما بخش‌های وابسته به مصرف داخلی و تولید صنعتی همچنان تحت فشار هستند.

آسیا؛ شکاف عمیق میان ژاپن و چین

بازارهای آسیایی تصویر دوپاره‌ای از وضعیت بورس‌های جهان ارایه می‌دهند. در یک سو، ژاپن قرار دارد. شاخص Nikkei ۲۲۵ به بالاترین سطوح چند دهه اخیر رسیده و بورس این کشور به یکی از جذاب‌ترین مقاصد سرمایه‌گذاری تبدیل شده است. سیاست‌های پولی انبساطی، تضعیف ین و اصلاحات حاکمیت شرکتی، ترکیبی کم‌نظیر برای جذب سرمایه خارجی ایجاد کرده است.

در سوی دیگر نیز، چین قرار دارد؛ بازاری که همچنان درگیر بحران اعتماد است. مشکلات بخش املاک، بدهی شرکت‌ها و کاهش رشد اقتصادی، باعث شده بورس‌های چین نتوانند هم‌پای سایر بازارهای بزرگ جهان حرکت کنند. بسته‌های حمایتی دولت تاکنون نتوانسته اعتماد از دست رفته سرمایه‌گذاران را به‌طور کامل بازگرداند.

سایر بازارهای آسیایی مانند هند، کره جنوبی و تایوان، هر یک مسیر خاص خود را طی می‌کنند. هند با رشد اقتصادی پایدار و جمعیت جوان، یکی از گزینه‌های اصلی سرمایه‌گذاران بلندمدت است، در حالی که کره و تایوان به‌شدت به چرخه جهانی نیمه‌رساناها وابسته‌اند.

بازارهای نوظهور؛ فرصت‌های پرریسک

بازارهای نوظهور بیش از هر زمان دیگری به سیاست‌های پولی امریکا گره خورده‌اند. رکوردشکنی بورس امریکا و احتمال کاهش نرخ بهره می‌تواند جریان سرمایه را به سمت این بازارها تقویت کند، اما ریسک‌ها همچنان بالاست: نوسانات ارزی، بدهی خارجی و بی‌ثباتی سیاسی. در این میان، کشورهایی مانند هند، برزیل و مکزیک عملکرد بهتری نسبت به سایر بازارهای نوظهور داشته‌اند، اما سرمایه‌گذاری در این بازارها همچنان نیازمند نگاه محتاطانه است.

بورس ایران، جدا افتاده از بازارهای جهانی

در نگاه اول، بورس کشور ما به دلیل تحریم‌ها، محدودیت سرمایه خارجی و ساختار خاص اقتصاد، بازاری جداافتاده از بورس‌های جهانی به نظر می‌رسد. اما در عمل، تحولات جهانی به‌ویژه بورس امریکا به‌طور غیرمستقیم بر انتظارات، جریان نقدینگی و حتی سیاست‌گذاری داخلی اثر می‌گذارد. در هفته‌های اخیر، شاخص کل بورس تهران رشد قابل توجهی را تجربه کرده و به سطوح بالایی رسیده است. این رشد، بیش از آنکه ناشی از بهبود بنیادین اقتصاد باشد، حاصل تورم مزمن، رشد نرخ ارز و حرکت نقدینگی است. با این حال، رکوردشکنی بورس امریکا پیام روانی مهمی برای بازار ایران دارد: تقویت این تصور که دارایی‌های مالی، همچنان ابزار حفظ ارزش سرمایه‌اند. به عقیده کارشناسان در حال حاضر بورس ایران با مشکلاتی چون نبود اعتماد، کاهش قدرت خرید و نبود نقدینگی، نبود سرمایه‌گذار خارجی موثر، کاهش شدید قدرت خرید خانوارها، ریسک‌های سیاسی و تصمیمات غیرقابل پیش‌بینی، وابستگی بالای سود شرکت‌ها به نرخ ارز و قیمت‌های جهانی و امثال این موارد روبه‌روست. در عین حال، بسیاری از صنایع بورسی ایران به‌ویژه فلزات، پتروشیمی و پالایشی به قیمت‌های جهانی وابسته‌اند و از این منظر، تحولات بورس‌های جهانی به‌طور غیرمستقیم بر آنها اثر می‌گذارد. برخلاف بازارهای توسعه‌یافته، پیوند بورس ایران با جهان بیشتر از جنس انتظارات است تا جریان واقعی سرمایه. هر نشانه‌ای از ثبات منطقه‌ای، کاهش تنش‌های بین‌المللی یا تغییر در سیاست‌های امریکا نسبت به ایران، می‌تواند انتظارات مثبت در بازار ایجاد کند؛ حتی اگر در عمل، تغییر فوری در متغیرهای اقتصادی رخ ندهد.

رکوردشکنی بورس امریکا، پیام قدرتمندی به بازارهای مالی جهان ارسال کرده است، اما این پیام در همه جا یکسان تفسیر نشده است. اروپا محتاط است، آسیا دوپاره شده، بازارهای نوظهور میان فرصت و ریسک در نوسان‌اند و بورس ایران، در عین جدایی ساختاری، از نظر روانی و انتظارات بی‌تأثیر نیست. آنچه امروز در بازارهای جهانی دیده می‌شود، تعادلی شکننده میان امید و نگرانی است. رکوردها شکسته می‌شوند، اما آینده هنوز قطعی نیست. در چنین فضایی، سرمایه‌گذاران چه در نیویورک، چه در توکیو و چه در تهران بیش از هر زمان دیگری نیازمند تحلیل عمیق، نگاه میان‌مدت و مدیریت ریسک هستند.

بورس در انتظار سیگنال جدید

بازار سرمایه این روزها درست در میانه تردید ایستاده که نمی‌توان پیش‌بینی کرد حرکت بعد، صعود یا افت است. بازاری که ماه‌ها زیر سایه ریسک تحریم و تنش حرکت کرده و حالا هر سیگنال کوچک از مذاکرات عمان می‌تواند مثل یک جرقه، مسیر ذهنی معامله‌گران را عوض کند. حالا خبری از رایزنی و مذاکره با امریکا در عمان منتشر شده است و همین عاملی می‌شود تا بازار دوباره سناریوهایش را بازنویسی کند و معامله‌گران از نو حدس بزنند آینده چه شکلی خواهد بود.

با توجه به اینکه مذاکرات در چندین دور انجام می‌شود اثر کوتاه‌مدت بیشتر هیجانی خواهد بود؛ در چنین فضایی، اولین نکته این است که بورس از ریسک سیاسی خسته شده است. ماه‌هاست که سه ریسک اصلی احتمال درگیری نظامی، تشدید تحریم‌ها و بی‌ثباتی سیاست خارجی، سرمایه‌گذار را محتاط کرده و پول را از بازار دور نگه داشته‌اند و باعث این شده که سرمایه‌گذار بلندمدت عقب نشسته و میدان برای نوسان‌گیرها باز شده است. به همین دلیل حتی یک خبر کوچک از مذاکرات عمان، ولو در حد «گفت‌وگوها ادامه دارد»، برای بازار یک پیام مهم دارد که فعلاً خبری از تشدید تنش نیست. همین «فعلا» برای بازاری که از ریسک سیستماتیک می‌ترسد، ارزش زیادی دارد.

سیگنال‌های مذاکرات عمان دوباره ذهن بورس را فعال کرده است. بازاری که از ریسک سیاسی خسته شده، حالا با هر خبر کوچک از گفت‌وگوها میان ترس و امید نوسان می‌کند. این سیگنال‌ها در کوتاه‌مدت باعث افزایش تقاضا در نمادهای بزرگ و شکل‌گیری رالی‌های مقطعی می‌شود، اما پایداری آنها وابسته به نتیجه مذاکرات است. تا زمانی که تکلیف سیاست روشن نشود، بورس فقط نوسانی است.

علی رضایی در گفت‌وگو با خبرنگار بازار گفت: سیگنال‌های عمان برای بورس فقط این معنی را ندارد که ریسک‌ها تغییر شکل داده‌اند و این موضوع مجموعه‌ای از پیام‌ها را به سرمایه‌گذاران منتقل می‌کند. درواقع از کاهش احتمال درگیری مستقیم گرفته تا امید به مدیریت تنش‌ها، از احتمال باز شدن کانال‌های محدود مالی و تجاری تا امید به کاهش فشار تحریم‌ها همه بر بورس اثر می‌گذارند. این پیام‌ها باعث می‌شود بازار از سناریوی فرسایشی فاصله بگیرد و به سمت سناریوی رشد تدریجی حرکت کند. در چنین شرایطی سرمایه‌گذار می‌تواند دوباره به افق چندماهه فکر کند، نه فقط فردا و پس‌فردا. همین تغییر زاویه نگاه، خودش محرکی مهم برای تغییر رفتار معامله‌گران است.

وی افزود: در کوتاه‌مدت، اثر این سیگنال‌ها معمولاً به شکل نوسان، هیجان و رالی‌های مقطعی ظاهر می‌شود. تقاضا در نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز بالا می‌رود؛ به‌خصوص در بانکی‌ها، خودرویی‌ها، حمل‌ونقل و برخی صادرات‌محورها که از کاهش ریسک سیاسی بیشترین نفع را می‌برند. به‌طوری که جو روانی بازار از ترس مطلق به امید محتاط تغییر می‌کند، صف‌های فروش سبک‌تر می‌شود و خریداران مردد کم‌کم وارد می‌شوند. اگر خبرها قوی باشد، بازار حتی می‌تواند چند روز تا چند هفته رالی مثبت تجربه کند؛ مخصوصاً اگر قبل از آن اصلاح عمیق داشته باشد. اما این واکنش‌ها تا زمانی پایدار نیست که سیگنال‌های سیاسی به اقدامات عملی تبدیل نشوند. رضایی تاکید کرد: در میان صنایع مختلف، بانکی‌ها و خودرویی‌ها اولین گروه‌هایی هستند که از سیگنال‌های مثبت عمان سود می‌برند. بانک‌ها به‌محض شنیدن احتمال گشایش‌های مالی یا کاهش فشار تحریم، در ذهن بازار ارزش‌گذاری جدیدی پیدا می‌کنند. خودرویی‌ها هم که همیشه بازیگران سیاسی بورس بوده‌اند، با هر خبر از مذاکرات، امید به واردات قطعه یا همکاری خارجی را زنده می‌کنند و همین کافی است تا موجی از نوسان و ورود پول‌های هیجانی شکل بگیرد. وی تصریح کرد: در سمت دیگر، شرکت‌های صادرات‌محور در موقعیتی دوگانه قرار دارند. از یک طرف کاهش ریسک سیاسی و احتمال تسهیل صادرات برایشان خبر خوبی است، اما از طرف دیگر اگر بازار احتمال کاهش نرخ ارز را جدی بگیرد، فشار روانی روی این گروه‌ها ایجاد می‌شود. تنها زمانی این گروه‌ها از فضای جدید منتفع می‌شوند که بازار به این جمع‌بندی برسد که گشایش سیاسی قرار نیست نرخ ارز را فروبپاشد. در این صورت، صادرات‌محورها هم می‌توانند از شرایط جدید بهره ببرند؛ به‌خصوص اگر قیمت‌های جهانی نیز همراهی کنند.

این کارشناس با بیان اینکه پول هوشمند در موقعیت کنونی داستان دیگری دارد، تصریح کرد: برای بازیگران حرفه‌ای، سیگنال‌های مذاکرات عمان یعنی فرصت جمع‌آوری سهم در منفی‌ها قبل از قطعی شدن خبرها. تریدرها معمولاً قبل از تیتر شدن خبرها وارد می‌شوند، نه بعد از آن. این پول‌ها از نوسان‌گیری صرف فاصله می‌گیرند و به‌سمت موقعیت‌های میان‌مدت در سهم‌های بنیادی حرکت می‌کنند که اصلاح عمیق داشته‌اند، گزارش‌های قوی دارند و نسبت قیمت به سود آینده‌شان جذاب است. استراتژی آنها ساده است: خرید در ابهام، فروش در قطعیت. وی تصریح کرد: با این حال، نباید فراموش کرد که مذاکرات عمان تضمین نتیجه نیست. ممکن است طولانی شود، متوقف شود یا به توافقی محدود ختم شود. ریسک جنگ هم به‌طور کامل حذف نمی‌شود؛ فقط عقب می‌رود. طرف مقابل همیشه ابزارهای دیگری برای فشار دارد. بازار هم ممکن است چند بار روی «امید به توافق» نوسان بخورد بدون اینکه در اقتصاد واقعی اتفاق بزرگی رخ دهد. معامله‌گری در چنین فضایی شبیه راه رفتن روی لبه است؛ یک خبر، یک توییت یا یک حادثه می‌تواند جهت بازار را برگرداند.

سیگنال‌های مذاکرات برای نمادهای صادراتی چیست؟

اما شاید مهم‌ترین پرسش این روزهای بازار این باشد که سیگنال‌های مذاکرات عمان دقیقاً چه اثری بر نمادهای صادرات‌محور می‌گذارد؟ گروهی که ستون اصلی سودآوری بورس محسوب می‌شود و وزن سنگینی در شاخص کل دارد. واقعیت این است که صادراتی‌ها در چنین فضایی نه فقط از اخبار سیاسی تأثیر می‌گیرند، بلکه هر سیگنال کوچک می‌تواند معادلات ارزش‌گذاری آنها را تغییر دهد.

نمادهای صادراتی همیشه در نقطه تلاقی دو نیرو قرار دارند: از یک طرف، کاهش ریسک سیاسی و احتمال تسهیل صادرات برایشان یک خبر مثبت است. وقتی بازار احساس کند تنش‌ها کمتر شده و مسیرهای تجاری یا بانکی حتی به‌صورت محدود باز‌تر می‌شود، ذهن معامله‌گران به‌سمت افزایش فروش، کاهش هزینه‌های نقل‌وانتقال پول و بهبود جریان نقدی این شرکت‌ها می‌رود. همین تصور کافی است تا تقاضا در نمادهای پتروشیمی، فلزی، معدنی و حتی برخی غذایی‌های صادرات‌محور بالا برود. اما روی دیگر ماجرا نرخ ارز است؛ متغیری که مثل سایه همیشه بالای سر صادراتی‌ها قرار دارد. هر بار که خبرهای مثبت از مذاکرات منتشر می‌شود، بخشی از بازار به‌صورت غریزی احتمال کاهش نرخ ارز را در ذهن قیمت‌گذاری می‌کند. همین تصور حتی اگر منطقی نباشد می‌تواند فشار روانی کوتاه‌مدتی بر نمادهای صادراتی ایجاد کند. معامله‌گران می‌ترسند که کاهش نرخ ارز حاشیه سود شرکت‌ها را کوچک کند و همین ترس باعث می‌شود بخشی از پول از این گروه‌ها خارج شود. اما نکته مهم اینجاست. بازار همیشه بین این دو سناریو یک نقطه تعادل پیدا می‌کند. اگر معامله‌گران به این جمع‌بندی برسند که گشایش سیاسی داریم، اما نه آنقدر که نرخ ارز را فروبپاشد، آن‌وقت صادراتی‌ها دوباره جذاب می‌شوند. چرا؟ چون کاهش ریسک سیاسی یعنی تسهیل صادرات، کاهش هزینه‌های مبادلاتی، افزایش ثبات در فروش و حتی احتمال بهبود قیمت‌های جهانی به‌دلیل کاهش تنش‌های منطقه‌ای. در چنین شرایطی، صادراتی‌ها نه‌تنها آسیب نمی‌بینند، بلکه می‌توانند از فضای جدید منتفع شوند.

بازار سهام

روند یکساله سرمایه‌گذاری خارجی در بازار سرمایه

روند یکساله مجموع ارزش سبد سرمایه‌گذاری خارجی نشان می‌دهد ارزش سبد دارایی سرمایه‌گذاران خارجی فعال در بورس و فرابورس، در پایان دی ۱۴۰۴ به حدود ۲۲ همت رسید. داده‌های آماری مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار نشان می‌دهد مجموع ارزش سبد سرمایه‌گذاری خارجی از حدود ۱۱ همت در دی پارسال به حدود ۲۲ همت در دی امسال رسید. بر این اساس، ارزش سبد دارایی سرمایه‌گذاران خارجی فعال در بازار سرمایه ایران در یک سال گذشته ۹۷ درصد رشد داشته است. گزارش مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس حاکی است ارزش سبد اشخاص حقیقی در بورس و فرابورس در دی امسال ۲،۰۶۸ میلیارد تومان و ارزش سبد اشخاص حقوقی ۲۰،۳۲۰ میلیارد تومان بوده است. افزون بر این، تعداد سرمایه‌گذاران خارجی از ۴،۹۵۴ کد سهامداری در دی ۱۴۰۳ به ۵،۲۷۱ کد سهامداری در دی ۱۴۰۴ رسید.

چرا بازده پرتفوی برخی با روند شاخص‌ها هم‌مسیر نیست؟

کارشناسان شرکت‌کننده در میزگرد تخصصی که در تاریخ پانزدهم دی‌ماه جاری برگزار شد، با تأکید بر تفاوت کارکرد هریک از شاخص‌های طراحی شده در بورس‌ها، وزن بالای سهام شرکت‌های بزرگ در محاسبه شاخص کل، محدودیت ابزارهای سرمایه‌گذاری مبتنی بر شاخص‌ها و ضعف در نمایش وضع سرمایه‌گذاری سهامداران خرد را مورد توجه قرار دادند و به تشریح دلایل شکاف موجود بین روند شاخص و بازده پرتفوی برخی سهامداران پرداختند. رضا کیانی، مدیر تحقیق و توسعه بورس تهران با اشاره به کارکردهای اصلی شاخص‌ها گفت: «شاخص‌ها ۲ کارکرد اساسی دارند؛ نخست به عنوان نماگر نمایش وضعیت کلی بازار و دوم، که کم‌تر به آن توجه شده، به عنوان یک ابزار سرمایه‌گذاری.» او در عین‌حال تاکید کرد: در سال‌های اخیر توجه به کارکرد دوم شاخص‌ها به عنوان ابزار سرمایه‌گذار در بازار سرمایه ایران افزایش یافته است. کیانی با اشاره به عملکرد صندوق‌های شاخصی توضیح داد: « بررسی‌ها نشان می‌دهد آن دسته از نهادهای سرمایه‌گذاری و صندوق‌های شاخصی که با هدف ردگیری شاخص فعالیت کرده‌اند، در این مسیر موفق بوده‌اند. هرچند هر صندوق شاخصی دارای ترکینگ‌ارور خاص خود است و عملکرد آنها می‌تواند متفاوت باشد، اما در مجموع عمل‌کرد صندوق‌های شاخصی موید این واقعیت است که شاخص‌ها قابل ردگیری هستند.» مدیر تحقیق و توسعه بورس تهران با تأکید بر اهمیت توجه به صنعت شاخص‌سازی و طراحی شاخص در بازار سرمایه گفت: «توسعه صنعت شاخص‌سازی و طراحی شاخص‌های متعدد و متنوع در بازار سرمایه ضروری است، اما متدلوژی این کار باید شفاف باشد. به این معنا که باید به‌صورت روشن اعلام شود شاخص‌ها با چه استانداردی طراحی شده‌اند، شرکت‌ها چگونه انتخاب شده‌اند، وزن‌دهی به چه شکل انجام می‌شود و فرآیند ری‌بالانسینگ چگونه است.» او با اشاره به برخی انتقادها درباره واگرایی موجود بین روند شاخص و بازده پرتفوی برخی سرمایه‌گذاران توضیح داد: «در این جا پرسش اصلی این است که آیا هدف سرمایه‌گذار، ردگیری شاخص بوده یا اینکه او هدف دیگری را دنبال می‌کرده است. مقایسه بازده پرتفوی سهامداران و سرمایه‌گذاران با شاخص زمانی معنا دارد که هدف سرمایه‌گذار، دقیقاً ردگیری شاخص بوده باشد.» کیانی با تأکید بر اینکه چالش ردگیری شاخص تنها به اصلاح روش محاسبه شاخص‌ها محدود نمی‌شود، گفت: «بخش مهمی از موضوع به ابزارهایی بازمی‌گردد که در اختیار مدیران صندوق‌های سرمایه‌گذاری شاخصی قرار می‌گیرد. برای تسهیل ردگیری شاخص، باید ابزارهای معاملاتی مناسبی در بازار وجود داشته باشد.» او به آغاز به کار بازار TAL در بورس تهران اشاره کرد و توضیح داد: «در صورتی که بازار TAL عمق کافی پیدا کند، می‌تواند کمک بزرگی به صندوق‌های شاخصی ارایه دهد. زیرا در زمان تغییر ترکیب شاخص‌ها، صندوق‌ها ناچار به ری‌بالانس پرتفوی خود هستند، اما اغلب امکان خرید سهام، دقیقاً منطبق بر قیمت پایانی، برای آنها فراهم نیست. وی با انتقاد از فعال نشدن برخی ابزارهای مرتبط با سرمایه‌گذاری بر شاخص‌ها گفت: «انتشار اوراق قراردادهای آتی و اختیار معامله مبتنی بر شاخص، از مهم‌ترین ابزارهای سرمایه‌گذاری روی شاخص در بازارهای سرمایه جهان به‌شمار می‌آید. این ابزارها با وجود دریافت مجوز از کمیته فقهی از سال ۱۳۹۴، هنوز به‌صورت موثر در بازار سرمایه فعال نشده‌اند.» به گفته کیانی، فعال شدن این ابزارها نیازمند انجام اصلاحاتی در برخی سازوکارها است. فعال شدن این نوع از ابزارها می‌تواند به بازار سرمایه و سرمایه‌گذارانی که قصد سرمایه‌گذاری مستقیم روی شاخص را دارند، کمک قابل توجهی ارایه دهد.» علی اسکینی مدیر سرمایه‌گذاری تأمین سرمایه نوین با بررسی عملکرد شاخص‌های بورس‌ها گفت: «از ابتدای سال ۱۴۰۰ تاکنون، شاخص کل حدود ۲۰۰ درصد و شاخص هم‌وزن حدود ۱۷۲ درصد بازده داشته است. این ارقام نشان می‌دهد در این دوره، سهام شرکت‌های بزرگ عمل‌کرد بهتری نسبت به سهام سایر شرکت‌ها داشته است.» او افزود: «یکی از ایرادات وارد بر شاخص کل و به‌طور کلی شاخص‌های رسمی این است که عمدتاً در بورس، فرابورس و نهادهای زیرمجموعه سازمان بورس طراحی و منتشر می‌شوند، در حالی که برخی نهادهای مالی و شرکت‌های پردازش اطلاعات نیز شاخص‌هایی محاسبه می‌کنند که رسمی نیستند اما برای مقایسه قابل توجه‌اند.» اسکینی با اشاره به ساختار فرمول محاسبه شاخص کل گفت: «در برخی موارد، به دلیل سهام‌داری متقابل شرکت‌ها، چندبارشماری در عدد شاخص کل اتفاق می‌افتد.